

اسلام دین فلسفی و اجتماعی است

ليس البران تو لوا وجو هکم قبل المشرق والمغرب ولكن البرمن آمن بالله واليوم الاخر و
الملئكة والكتاب و النبيين واتى المال على جبه ذوى القربى واليتامى والساکين وابن السبيل والسائلين
و فى الرقاب و اقام الصلوة و آتسى الزکوة و الموفون بعهد هم اذا عاهدوا والصاهرين فى الباساء
والضراء وحين الباس او لئک الذين صدقوا اولئک هم المتقون سورة بقره آیه ۱۷۶) معنى آیه
نيکو کاری این نیست که روى خود بطرف مشرق و مغرب بگردانید و نیکو کاری ایمان داشتن بخدا
و روز بازپسین و فرشتگان و پیغمبران است نیکو کاری بذل مال است در راه خدا بخویشاوندان و
یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و خواهندگان ؛ و نیکو کاری آزاد کردن بندگان و برپاداشتن
نماز و دادن زکوة و وفای بعهد و شکیبانی در محنت و صبر در آفات و بایداری در کارزار است چنین
کسانی راستگو و آنها برهیز کارانند)

چه بسیار روشن و هویدا است که هر قدر اشعه دانش افق افکار مردم جهان را بر حسب ارتقاء و
تکامل بیشتر روشن سازد و متفکرین گیتی زیاده تر با سرار خلقت در جهان مادی و معنوی غور و بررسی
نمایند خواهند یافت که سنت بالغه و احکام آسمانی اسلام تا چه درجه ای در تقویت روح و تأمین صلح و
آزادی جهان مؤثر است تردیدی نیست که برای سعادت و رفاه جوامع بشری در قدم اول تربیت روح
و پرورش وجدان لازم است و امور مادی مربوط به جسمانیات است و عاقل میدانند که روح افضل بر جسم
است اسلام در مرحله اول تقویت روح ایمان و پرستش خدای یگانه و بعد در تمام شئون اجتماعی و
اقتصادی مانند صلح آزادی عدالت اجتماعی مساوات حقیقی کوشیده و ابناء بشر را بشاهراه سعادت و
رستگاری دعوت فرموده در این عصر بر انقلاب و دوران وحشت زاکه فلسفه ماتریالیسم (مادی) جهان
زندگانی را بتزلزل انداخته و فلاسفه اروپا مردم را از معنویات و الهیات که سبب تقویت روح ایمان
و تزکیه نفس میشود منحرف نموده و با آتش شهوت نیسی از آثار تمدن گیتی را محو و نابود ساخته
میلیونها نفوس یگانه را بدان آتش سوخته اند و تا هم اکنون تجهیزات خطرناک برای کشتن ابناء
نوع خود مینمایند بر هر فرد مسلمان لازم است بفقار امر بمعروف و نهی از منکر این ملالت و گمراهی
مردم اروپا را با شدت هر چه تمامتر انتقاد و نکوهش نماید و بحقایق معنوی و اوامر ایمانی اسلام
دعوت و راهنمایی فرماید با اینکه حقایق معنویات را باشمه ای از تعالیم عالیه اسلام در کتاب خود (تأییر

روحیات شرق و روحیات غرب (شرح داده ام و دانشمندان بر آن تقریظها نگاشته اند در اینجا بطور
ایجاز و اختصار مطالب خود را در چهار قسمت خلاصه میکنم تا حقیقت آسمانی بودن این دین مبین و سنت
بالغه اسلام ثابت و مبرهن گردد - اول موقعیت سیاسی جهان و جغرافی جزیره العرب در زمان ظهور پیغمبر
گرامی اسلام دوم باید دانست در چه محیط و کدام قبیله و غیره ظاهر گردید و تربیت آن محیط چگونه
بود . سوم عزم و استقامت خارق العاده او که حکایت از قوت ایمان و عظمت روح آن بزرگوار میکند
آیا بتوان او را باین عزم در عداد بشر دانست ؟ چهارم چه کرد و چه بجهان آورد و چگونه سیر تاریخ
را عوض کرد و هم باید باین حقیقت پی برد .

آیا اصول دموکراسی و سوسیالیسم زائیده فکر اروپائیا است یا از اسلام فرا گرفته و
آنها بفلط تعبیر کرده و نتیجه معکوس از آن گرفته اند .

مطلب اول اوضاع سیاسی کشور های جهان مقارن ظهور آفتاب اسلام دو کشور بزرگ در آن
عهد و زمان دارای عظمت و قدرت سیاسی بودند اول ایران بعد روم این دو کشور مدتها با هم در
جنگ و زد و خورد بودند و هزینه کمر شکن این جنگها بعنوان مالیات از مردم گرفته می شد در قرن پنجم
میلادی کشور روم غربی که مرکز آن رم (ایتالیا) و مهد علوم بود دستخوش تهاجم بربرها و منقرض
گردید و اروپائیان ده قرن که آنها قرون وسطی میگویند با انقراض روم غربی علم و حکمت اروپا در
معاق احتناق فرو رفت مردم اروپا در تاریکی جهل و نادانی بسر میبردند .

از طرفی دولت ایران در زمان قباد پدر انوشیروان گرفتار غوغای دین اشتراکی (کمونسم)
افراطی مزدک گردید - بعداً روم شرقی که مرکز آن یزانس (قسطنطنیه) بود سالها با خسرو پرویز
در جنگ و بیکار بسر میبرد طبقات ممتازه کشورها مانند شاهان و درباریان - فرماندهان لشکر -
موبدان - ملاکین مردم را استثمار نموده حتی کشتن آنها را حق میدانستند و آنها را مانند گاو بشخم
زدن مجبور میکردند و هزازهها بنام کنیز و غلام بیازارها برده میفروختند در هندوستان و شریعت بودا
و دستور کتاب دینی آنها (منوشترتی) زنان زنده را با شوهران مرده در آتش میسوختند قانونی که
حمایت از حقوق بشر نماید وجود نداشت در چنین موقعی سفیر آسمانی اسلام ظهور فرمود اکنون بشر
شمه ای از جغرافیای جزیره العرب میپردازم - این جزیره خشک و سوزان قرنها مسکن و مامن قبایل بدوی
و اعراب بادیه نشین بود که غالب اوقات آنها بجنگ و نهب و غارت میگذشت قانون و عقد و نکاح صحیحی
نداشتند دختران خود را زنده بگور میکردند زنان خود را یکدیگر عاریه میدادند اشکالی باسنگ و چوب
بصورت مختلف میتراشیدند و بمصنوع خود سجده میکردند سنوات متمادی قبل از اسلام اعراب و قبایل بین
بواسطه شکسته شدن سد مارب در نزدیکی شهر صنعا متفرق و پراکنده شدند قبیله بنی خزاعه در مکه منا
زده بعراق قبیله اوس در مدینه غسانه در شام مسکن گزیدند دین یهود بوسیله قبیله اوس در مدینه رواج
یافت و قوانین و سنن دینی یهودیها بدانجا آوردند از طرفی هم افراد نصارا که از تعدی و سنگینی

تحصیلات رومیان فرار میکردند در این جزیره پناه میبردند مذهب مسیح در آن جزیره پیدا شد در این موقع آفتاب از افق تاریک طالع گردید. مطلب سوم عزم و اراده آسمانی او در برابر شدائد و مشقات غیر قابل تحمل در سال ۵۷۱ میلادی در خانه عبدالله مطلب نوزادی با برصه وجود نهاد در کودکی پدر و مادر را از دست داد کودکی که در آغوش پدر و دامان پر مهر مادر نشو و نما نکرده قاعدتاً باید روحیه او ضعیف باشد این چه روح بزرگی بود که بر ضد خدایان و هزاران آداب و رسوم وحشیانه دوره جاهلیت قیام کرد و مردم جهان را بسوی صلح و آزادی رهبری فرمود پس از سه سال که خواست امر خود را اظهار نماید از پسر عمش علی خواست که دعوتی از سران قریش نماید چون همه گرد آمدند در آن مجلس آنها را بتوحید و پرستش خدای یگانه دعوت فرمود و بت هارا جماد و باطل شمرد و راهنمائی فرمود اعراب با تعصب خشک و جاهلانه شکایتها نزد ابوطالب بردند که برادر زاده خود را نصیحت کند چون از این راه نتیجه نگرفتند سران قبایل در دارالندوه که محل اجتماع بزرگان قوم بود جمع شده دارالندوه بنائی بود که در نزدیکی خانه کعبه و از بناهای قصی بن کلاب جد اعلای پیغمبر برای مشورت و اجتماع ساخته افراد کمتر از چهل سال حق ورود در آنرا نداشتند در این مجلس محمد بن عبدالله صلی و اله علیه و اله را احضار کردند هنگام ورود آن بزرگوار حد اعلای احترام را در باره او بعمل آورده بدین گونه آغاز سخن کردند یا محمد تا کنون هیچکس مانند تو در عرب نیامده که تا این درجه با آداب و رسوم اجدادی خود مخالف باشد افکار و عقاید ما و پدران ما را مسخره میکنی خدایان ما را باطل میگوئی مقصودت چیست اگر قصد تو این است که از این راه ثروت مند شوی در همین مجلس اینقدر بتو میدهیم که اول ثروت مند شوی و اگر قصدت قدرت و سلطنت است در همین مجلس سلطنت تو قرار میکند بشرط اینکه از این دعوت دست برداری پیغمبر اکرم در پاسخ قوم فرمود نه مال و نه ثروت و نه مقام و سلطنت میخواهم خداوند یکتادستور و کتابی بمن داده اگر پیروی کنید رستگار و سعادتمند میشوید و اگر نکنید صبر میکنم تا خدا حکم کند میان من و شما از این مجلس هم نتیجه نگرفتند آزار و اذیتهای کفار شدید شد که همه را تاریخ ثبت نموده سالها برنج و سختی گذرانید در دره دوشبانه روز را گرسنه مانند بعضی از اتباعش را کشتند بعضی بجبهه رفتند تا هنگامیکه یکه و تنها از خویش و اقارب غمخوار گردید یعنی ابوطالب حامی بزرگ او وفات یافت زوجه با وفایش خدیجه کبری از این جهان رفت غذایی بزحمت تهیه میکرد در همسایگی او ابولهب عمویش عتبه بن ابی میسط و حکم بن عاص خاک و خاشاک در غذایش میریختند ناچار بطرف طایف ده فرسخی مکه رفت در آنجا اظهار امر نمود گروه خدا ناشناس او را در میان چهار دیواری قراردادند ارادل و او باش را دور او جمع کرده با انواع اهانتها و بدگوییها او را بیرون کردند با پای برهنه به مکه مراجعت نمود. با منشوری که در خانه کعبه بر ضد او آویزان کرده بودند و انواع اذیتها قبایل عرب برای اینکه حس انتقام را از میان ببرند از هر قبیله دو نفر برای کشتن او معین شد شبانه چون دید جانش در خطر است با ابی بکر بنار نور رفت با سابقه پیمان عتبه و تبلیغات

اسلامی که در یثرب (مدینه) عده‌ای اسلام را قبول کرده بودند پنهانی با ابوبکر هازم مدینه گردید اورا برای کشتن تعقیب کردند موفق نشدند آنحضرت وارد مدینه گردید کفار قریش درصدد تهاجم به مدینه و گرفتاری او بودند ناچار گردید پس از سال‌ها مدارا یا مکارم اخلاق دفاعا بفزوات پرداخت تا بفتح مکه توفیق یافت و بتهارا که بسیصد و شصت عدد بالغ میگردد از خانه کعبه بیرون ریخت و همه را شکست ابو سفیان و دشمنان دیرین را مورد عفو قرار داد اگر کسی بدقت در صبر و نبات پیغمبر اسلام و قوت ایمان او در تحمل مشقات مطالعه نماید خواهد دانست که بزرگترین معجزه را از خود نشان داده و در قوه هیچ بشری نبوده و نیست. مطلب چهارم : چه کرد و چگونه تمدن درخشانی بجهان آورد و سیر تاریخ را چگونه عوض نمود در اینباب کتابها نوشته شده و خود شه‌ای از تعالیم عالیه اسلام را در کتاب روحانیت شرق و غرب نوشته و شرح داده‌ام در اینجا فهرست وار مختصری مینویسم در قدم اول در توحید و پرستش خدای یگانه کوشید که رابطه بین مخلوق و خالق محکم و استوار گرد و بهشت را برای نیکوکاران و جهنم را بیدکاران وعده داد که در سایه بیم و امید رفتار خود را تبدیل نمایند دوم رابطه مخلوق بمخلوق را در سایه وحدت و برادری استوار ساخت جنگهای سی ساله بین قبایل اوج و خزرج را مبدل باتحاد نمود بین مهاجر و انصار ایجاد وحدت و برادری فرمود انما المؤمنون اخوة پیروان را برادر یکدیگر مقرر داشت بعد باصلاح امور اجتماع پرداخت و آداب و رسوم وحشیانه را مانند دختر کشی و غیره را از میان برداشت و زنان را که مانند گوسفند میفروختند دارای حقوق دانست و آنان را از قید رقیت و اسارت آزاد فرمود همچنین گروه مردان را که در معرض بیع و شرای بسر میبردند و اشراف قوم خود را برگزیده آسانی پنداشته استعمار و استعمار باهلا درجه شدت رسیده بود پیغمبر بزرگ اسلام افراد را آزاد و متساوی حقوق قرار داد اول کسیکه ندای آزادی در جهان در داد و فرمود خلقك اله حرافكن كما خلقك - پیغمبر اسلام بود که امتیازات طبقاتی را لغو کرد و فرمود (ان اله تبارك و تعالی قداذهب بالاسلام نخوة الجاهلیة و تفاخرها بآبائها الان الناس من ادم و آدم من تراب) یعنی نخوت و تکبری که مردم در دوره جاهلیت بتفاخر اجدادی خود میکردند بوسیله اسلام برداشته شد مگر نه این است که مردم از آدم و آدم از خاک بوجود آمده اند شاه و کدا غنی و فقیر سیاه و سفید همه را در برابر قانون مساوی قرارداد قانون اساسی آسانی اسلام حاوی عدالت اجتماعی و قوانینی است که بخوبی میتواند صلح و آزادی جهان را تامین نماید کتابها در این زمینه نوشته شده

اکنون باید دانست اصول دموکراسی یا سوسیالیسم یا کمونیسم (اشتراکی) زائیده فکر اروپا است یا از ایران و اسلام گرفته شده

آزادی مساوات ، عدالت اجتماعی استقلال افراد مسئولیت همگانی کلکم راع کلکم مسئول عن رعیته - وجوب امر بمعروف ونهی از منکر تدوین قانون اساسی حاوی قوانین حقوقی و جزائی شور در امور جمهوری (و شاورهم فی الامر) مجموع آن مبنای حکومت ملی دموکراسی را تشکیل میدهد

سوسیالیسم - سوسیال یعنی اجتماع و سوسیالیست یعنی اجتماعی احکام و سنن اسلامی مبتنی

بر اتحاد و اجتماع بین کلیه اقوام و ملل و اساس اجتماع بوده سوسیالیست هارامهای متباین دارند که در اینجا شرح آنها مقدور نیست اجمالا حزبی که مرام معتدل کارگری دارد میگوید با پیشرفتهای تبلیغی و مرامی میتوان بهدفع خود رسید سوسیالیستهای افراطی مانند کمونیستهای روسیه عقیده دارند که با استعمار و سرمایه داری جز در سایه انقلاب نمی توان موفق گردید لکن اصول آراء و عقاید همگی آنها این است که اختلافات و خونریزیهای جهان در نتیجه بی عدالتیها و عدم توازن تقسیم ثروت بین افراد است که باید در سایه انقلاب اصلاح شود و این عمل را میخواهند با اصول ریاضی و بقوه اجبار عملی نمایند - و این مرام همان اصول اشتراکی است که مزدک ایرانی در پانزده قرن پیش به جهان آورد سوسیالیسم اسلامی: پیغمبر بزرگ اسلام با فکر آسمانی خود متوجه این حقیقت گردید که آزادی و استقلال فردی با تقسیم و تعادل توزیع ثروت بین مردم مخالف است زیرا فرد آزاد بخودی خود دست رنج و نتیجه عمل خود را بدیگری نمیدهد و اگر اجبار در کار باشد از قوه فعالیت و ابتکارات مردم البته کاسته میشود زیرا حرص در تجمع ثروت از غرائز بشری است برای جمع بین این دو ضد پایه تقسیم و تعادل ثروت را بر اساس ایمان و عقیده قرارداد اولاً ثروت هر فرد متوفی را بنام ارث بین افراد و خانواده او تقسیم نمود ثلث مرده گان را برای امور خیریه قرارداد بعد طرق دیگر مانند خمس زکوة وقف سهم امام - نذر - صدقه - کفاره - فطره - قربانی زیارتخانه خدا در صورت تمکن مالی - اگر این دستورات و اوامر اسلام که اغلب اجرا شده کاملاً بیوقع اجرا گذارده شود استعمار و اختلافات طبقاتی بخودی خود از میان میرود و مردم از روی ایمان و عقیده مقدم بتقسیم مال میشوند و تعدیل ثروت عملی خواهد شد پیغمبر اسلام حتی در باره خرید و فروش برده و غلام که جزء کالاهای بازاری درآمده بود امر اجباری و تکلیف شاق نفرمود و آنرا نیز جزء اعیال خیر و موجب اجرا خروی قرارداد مطلب بخوبی شکافته نشد زیرا با اختصار این موضوع مهم اجتماعی را نمی توان شرح داد حاصل مطلب اینکه مرامها و قوانین موضوعه همه از اسلام سرچشمه گرفته حتی غذای سرد خوردن مردم اروپا را شارع مقدس اسلام در چهارده قرن پیش بمسلمانان امر فرمود در بهار الانوار مندرج است (بردا الطعام لان ألعار لا برکة فيه ، دنیا ناچار است برای نیل به سعادت با صلح و آزادی از این آئین مقدس پیروی کند والا همیشه گمراه خواهد ماند